تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوقی ایران

حسین عبداللهی[1]

چکیده

استفاده از تراکنش‌های بانکی هرچند نماد تشخیص مالیات به کمک پایگاه‌های اطلاعاتی است اما باید آن را نمودی از تقابل رازداری بانکی و شفافیت مالیاتی نیز به شمار آورد و لذا توسعه این ظرفیت در نظام مالیاتی ایران البته با تأکید بر روش‌های عادلانه، ضروری است. پرسش اصلی این است که استفاده از این صلاحیت توسط سازمان امور مالیاتی در ایران دارای چه ابعاد حقوقی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی انجام شد و براساس آن صلاحیت سازمان درمورد تراکنش‌های قبل از سال ۱۳۹۵ به صورت «موردی، همراه با تشریفات قانونی و ناظربر موارد درآمدی» بوده و در مورد تراکنش‌های بعد از سال ۱۳۹۵ نیز نه تنها سازمان صلاحیت بررسی کلیه تراکنش‌ها را داراست بلکه اخذ مالیات از تراکنش‌های «درآمدی» و حتی «با منشأ نامشخص» نیز واجد مبانی حقوقی است که البته در مورد دوم، احراز «تکلیف قانونی مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی» ضروری به نظر می‌رسد.

واژه‌های کلیدی: حقوق مالیاتی ایران، تشخیص مالیات، تراکنش‌های بانکی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

۱. استادیار حقوق، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، h.a8314@yahoo.com

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

۱- مقدمه

از سال ۲۰۰۹ تاکنون که گروه G20 پایان عصر رازداری بانکی را اعلام کردند، درکنار کاهش هرچه بیشتر محدودیت‌های داخلی برای دسترسی نهادهای مالیاتی به اطلاعات بانکی، کشورهای زیادی در تلاش‌اند تا بسترهای حقوقی لازم جهت انواع تبادل اطلاعات بانکی با هدف بهره‌برداری مالیاتی را نیز فراهم کنند (O'Reilly et al, 2019: 9). اساساً نقش بررسی تراکنش‌های بانکی در مبارزه با پولشویی، راستی آزمایی اسناد و مدارک مالی مؤدیان، شناسایی و پیشگیری از جرایم مالیاتی غیرقابل کتمان است و همچنین اثر این موضوع در حسابرسی مبتنی بر ریسک نیز قابل توجه است (Ramezani et al, 1392: 106)[۱].

در نظام حقوقی ایران افشای اطلاعات بانکی در ابتدا منحصربه ارائه به نهادهایی چون: محاکم قضائی (ماده ۲۱۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی)، دیوان محاسبات کشور (مواد ۲ و ۴۲ قانون دیوان محاسبات کشور) و... بود (Zangbari, 1394: 114-115). اما با تصویب مواد ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم و سپس ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده و نهایتاً ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم، شاهد ایجاد و گسترش دسترسی به اطلاعات تراکنش بانکی توسط سازمان بودیم.[۲] هرچند اینگونه گسترش دسترسی، می‌تواند منجربه آثار منفی نیز شود[۳] اما مشکل اصلی‌تر، عدم تبیین ابعاد حقوقی این مساله است. می‌توان گفت به موازات گسترش حقوق بانکی در ایران (Ja'farzadeh et al, 1391: 102) موضوع تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی در نظام حقوق مالیاتی ایران مورد واکاوی قرار نگرفته است.[۴] دلیل این موضوع، اولاً به کم رنگ بودن استفاده از این ظرفیت توسط سازمان در سال‌های گذشته و رونق آن در سال‌های اخیر باز می‌گردد. ثانیاً به اقتضائات حقوقی خاص هر کشور در مواجهه با افشای اطلاعات بانکی مربوط می‌شود (O'Reilly et al, 2019: 40) که الگوبرداری از سایر نظام‌ها را دشوار خواهد کرد.[۵] باتوجه به این نکات، باید پرسید ملاک قراردادن تراکنش‌های بانکی جهت تشخیص مالیات، دارای چه ابعاد حقوقی (ازحیث ماهیت، مبانی و ضوابط حاکم) است؟

---

۱. در این نوع از حسابرسی، شناسایی ریسک مؤدیان نیازمند وجود زیرساخت‌های فناوری اطلاعات جهت اتصال کلیه بانک های اطلاعاتی، نظیر: گمرک، ثبت اسناد و املاک، بیمه ها و به ویژه بانک‌ها را دارد. در حقیقت در این روش سازمان باید با هزینه – منفعت نمودن روش‌های خود، ریسک تمکین مالیاتی توسط مؤدیان را به منظور پیشگیری از رفتار مجرمانه، شناسایی کند (Khwaja & et al, 2011) به نقل از (همان).

۲. مدیر کل دفتر بازرسی ویژه، مبارزه با پولشویی و فرار مالیاتی سازمان امور مالیاتی از شناسایی حدود ۶۰۰۰ مؤدی جدید از طریق شناسایی و رسیدگی به اطلاعات تراکنش‌های مشکوک بانکی خبر داده و اظهار کرده که تاکنون از محل بررسی تراکنش‌های مشکوک بانکی حدود ۸۰۰۰ شخص، بالغ بر ۲۴ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی، شناسایی و برای این اشخاص برگ تشخیص صادر شده است. سایت رسمی سازمان به آدرس: http://intamedia.ir/ تاریخ خبر: ۱۳۹۸/۵/۱۲.

۳. به عنوان مثال اجرای قوانین بررسی تراکنش‌های بانکی در برخی از کشورها منجربه کاهش حجم سپرده‌های بانکی شده است. ر.ک: (Miethe, 2019 & Menkhoff :62).

۴. البته اصل ضرورت دسترسی نظام مالیاتی ایران به اطلاعات بانکی به شکل کلی و متمرکز–اعم از داخلی و بین‌المللی– از گذشته نیز مورد بحث و بررسی بوده است. به‌عنوان نمونه، ر.ک: (Hajmohammadi, 1388: 97) .

۵. نمونه این اقتضائات را تأکید فراوان قانون اساسی ایران بر رعایت اصل محرمانگی بویژه در اصل ۲۲ آن و رویکردهای مقام مفسر این قانون (شورای نگهبان) در حراست از این اصل می‌توان دانست. جهت مطالعه بیشتر، ر.ک: (Daneshpur,1395) .

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

جهت تعیین قلمرو موضوعی این پژوهش باید گفت مراد ما از «تراکنش‌های بانکی» همان تعریف قانونی از این واژه است: «یک پیام الکترونیکی که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی نظیر خودپرداز و یا پایانه فروش، ایجاد و به شبکه الکترونیکی بانکی ارسال می‌شود.»[۱] همچنین صرفاً «تراکنش‌های معتبر» را مدنظر قرار داریم؛ و نه «غیرمعتبر».[۲] از آنجا که مؤسسات اعتباری غیربانکی که به موجب قانون یا با مجوز بانک مرکزی تأسیس شده یا می‌شوند نیز اقدام به انجام تراکنش بانکی کرده و دارای اعتبار قانونی‌اند لذا مشمول قلمرو بحث هستند.[۳] بعلاوه دراین پژوهش، میزان پیشرفت کشورهای منتخب در توسعه دسترسی به اطلاعات بانکی و ضوابط حقوقی آنها نیز بررسی خواهد شد اما تمرکز اصلی و محوریت بر «نظام حقوق مالیاتی ایران» خواهد بود.[۴]

فرضیه اصلی این پژوهش مختصراً براین استوار است که شرط اول جهت ملاک قراردادن تراکنش‌ها توجه به ماهیت حقوقی تراکنش‌ها (اعم از: سند رسمی، سند عادی و یا اقرار) است که هرکدام اقتضائات خود را دارد. شرط دوم نیز درمورد «زمان شروع» استفاده سازمان از این صلاحیت است. هرچند صلاحیت جهت «تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های درآمدی» را می‌توان تحت شرایطی از زمان شروع صلاحیت دسترسی سازمان به تراکنش‌ها دانست، اما صلاحیت «تشخیص براساس تراکنش‌های نامشخص» منوط به تحقق دو عامل است، اول: اثبات صلاحیت سازمان در دسترسی به تراکنش‌ها، دوم: احراز تکلیف مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی.

بنابراین توضیحات، بررسی «ماهیت حقوقی»، «مبانی حقوقی» و نهایتاً «ضوابط حقوقی» به ترتیب، سه محور اصلی پژوهش را تشکیل خواهد داد که به کمک رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام خواهد پذیرفت و از اسنادی چون: آرای دیوان عدالت اداری (هیئت عمومی، هیئت تخصصی و شعب)، مراجع شبه قضائی دادرسی مالیاتی، دستورالعمل‌های متعدد سازمان بویژه مورد اخیر آن (شماره۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ با موضوع: نحوه بررسی و رسیدگی به اطلاعات پولی و مالی واصله از جمله تراکنش‌های بانکی) بهره می‌گیرد.

۲- ماهیت حقوقی

از آنجا که تراکنش‌های بانکی واجد دو بُعد مجزا است، لذا باید ماهیت حقوقی خاص هریک را نیز به صورت مجزا بررسی کرد: اولین بعد ناظربر اصل وقوع تراکنش‌ها است که فارغ از محتوا و ماهیت تراکنش بوده و می‌توان تحت عنوان «بعد شکلی» از آن یاد کرد. بعد دیگر به محتوا یا همان منشأ تراکنش‌ها (بعد ماهوی) مربوط است که به علت وقوع (ماهیت تراکنش) خواهد پرداخت. براساس این تفکیک، با دو ماهیت حقوقی مجزا نیز روبرو خواهیم

۱. بند د ماده ۱ آیین‌نامه نظام بانکداری الکترونیکی مصوب مورخ ۸۶/۱۲/۲۲ هیئت وزیران. همچنین طبق تعریف فنی: «استفاده از رایانه یا وسایل مخابراتی جهت ایجاد یا اجرایی نمودن فرآیند پرداخت است» که ازطریق سیستم بانکی انجام می شود (Sienkiewicz, 2002: 2).

۲. تراکنش غیرمعتبر، تراکنشی است که اساساً توسط مشتری انجام نشده است اما در لیست تراکنش‌های بانکی وی وجود دارد. ر.ک: (Geva, 2001:395)

۳. تبصره ماده ۱۴۵ قانون مالیاتهای مستقیم نیز به این تسری اشاره دارد.

۴. همچنین در این مقاله جهت رعایت اختصار، بجای عبارت «سازمان امور مالیاتی کشور» از واژه «سازمان» استفاده می‌شود.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

بود که بسته به متغیرهایی مانند: نوع تراکنش (درآمدی، غیردرآمدی، نامشخص)، ارائه‌کننده تراکنش‌های بانکی (مأمور رسمی یا غیرآن) و... می‌تواند متفاوت باشد.

۲-۱- بررسی تراکنش‌های بانکی ازنظر شکلی

تراکنش‌های بانکی به طرق مختلفی قابل انعکاس و نمایش است: اعم از اینکه در قالب «داده پیام»[1] بوده و به شکل اطلاعات وبگاه، مفادشبکه‌های اجتماعی، پست الکترونیک (رایانامه)، پیام‌های الکترونیک و ذخیره‌های رایانه‌ای باشد (Pendleton & Hon, 2013: 11) و یا بصورت «چاپی» درآمده باشد. همچنین ارائه تراکنش بانکی می‌تواند توسط اشخاص مختلف (مأمور رسمی یا غیر او) انجام شود. هرچند تمامی این اقسام به نوعی بیان‌گر اصل وقوع تراکنش است اما این «تنوع اَشکال» در امکان یا میزان استناد به تراکنش‌ها مؤثر است. از همین رو درجریان تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی، شناخت «ماهیت حقوقی» در انواع مختلف تراکنش‌ها -از منظر شکلی آن- اهمیت پیدا خواهد کرد.

در مرحله تشخیص مالیات، بررسی اظهارنامه‌های تسلیمی مؤدیان بعنوان اولین منبع تشخیص مالیات شناخته می شود (Rostami, 1390: 136). با این وجود، سازمان از صلاحیت قانونی کافی برخوردار است تا جهت تشخیص هرگونه درآمد مؤدی به کلیه «دفاتر، اسناد و مدارک» مربوط نیز مراجعه نماید (ماده ۲۲۹ ق.م.م). قانون مدنی در ماده ۱۲۸٤ سند را «هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد» تعریف نموده است. باتوجه به عموم و اطلاق این ماده، سند را باید هر نوع نوشته، خط یا علامتی دانست که بر روی صفحه نمایان باشد؛ خواه از خطوط متداول بوده و یا غیرمتداول؛ مانند رمزها و علاماتی که دو یا چند نفر برای روابط بین خود قرار داده‌اند (Emami, 1390: 65). قانون تجارت الکترونیکی در مواد ٦ تا ۱۲ به جایگاه و ارزش اثباتی ادله الکترونیک در قالب «داده پیام» پرداخته و آن را در ماده ۲ این‌گونه تعریف نموده است: «هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیکی، نوری و یا فن‌آوری‌های جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود.» همچنین در مواد بعدی به ارزش آن به عنوان دلیل و معادل نوشته پرداخته و در ماده ٦ مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده پیام در حکم نوشته است» و در ماده ۱۲ به طور کلی اعلام می‌دارد: «اسناد و ادله ممکن است به صورت داده پیام باشد...».

بنابراین درمورد داده پیام ها -اعم از اینکه به صورت ذخیره‌های الکترونیک یا محتوای حافظه رایانه باشد یا روی صفحه نمایش داده شود- همانگونه که فرانسوی‌ها آن را در قانون مدنی صراحتاً سند نامیده‌اند و در امریکا

1. Data

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

در قـانون یوتـا[1] از آن به عنوان سوابق الکترونیک[2] یاد کرده‌اند و در قانون قواعد ادله فدرال[3] در ماده ۱۰۰۱ به این نوع دلیل نیز اشاره شده است (Sadeghi neshat, 1393: 75). در نظام حقوقی ایران نیز باتوجه به مستندات قانونی فوق می‌بایست آنرا سند به شمار آورد. بنابراین چنانچه تراکنش‌های بانکی نیز در هریک از قالب های فوق اعم از پست الکترونیک (رایانامه)، پیام‌های الکترونیک یا بعنوان محتوای حافظه رایانه‌ای باشد و چه در صفحه نمایش داده شود از منظر قانونی، نوعی «نماد یا نمود اطلاعات بانکی» است که با وسایل الکترونیکی تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شود و مستنداً به مواد فوق می‌بایست آنها را نوعی «سند» تلقی کرد.

ازسوی دیگر قانون مدنی «اسناد» را به دو دسته رسمی و عادی تقسیم کرده است (ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی). بنظر می‌رسد چنانچه فهرست تراکنش‌های بانکی توسط متصدیان بانک‌های دولتی و در چارچوب صلاحیت آنها و مطابق قانون، صادر شده باشند می‌بایست این فهرست را سند رسمی تلقی کرد. چراکه تمامی شروط مذکور در ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی[4] محقق است و بنابراین محتویات این اسناد دارای اعتبار خواهد بود (Shams, 1389: 81-86). همچنین طبق ماده ۱۲۸۹ قانون مدنی غیر از اسناد مذکور در ماده ۱۲۸۷ سایر اسناد، عادی تلقی شده و بنابراین سایر تراکنش‌های بانکی، درصورت وجود شرایط قانونی لازم به عنوان «سند عادی» به شمار خواهند آمد.[5] البته این سخن به معنای اعتبار «ماهیت تراکنش‌ها» نیست، چراکه تشخیص آن توسط مأموران مالیاتی و بصورت مستند امکان خواهد داشت، بلکه مراد کلام، اعتبار اصل وقوع تراکنش‌ها- فارغ از ماهیت درآمدی و یا غیردرآمدی آن- است.

۲-۲- بررسی تراکنش‌های بانکی ازنظر منشأ (محتوا)

انواع تراکنش‌ها براساس معیارهای ماهوی متفاوت قابل تفکیک است اما چون ازجمله منابع اصلی مالیاتی، درآمد مؤدیان است لذا تقسیم‌بندی این اطلاعات براساس میزان ارتباط با «درآمد مؤدی» کمک بیشتری در بررسی موضوع خواهد داشت. دستورالعمل‌های صادره از سازمان نیز درموارد متعددی به لزوم تفکیک اطلاعات مالی از اطلاعات پولی تصریح داشته[6] و نهایتاً بند ۹ دستورالعمل شماره۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱سازمان که آخرین مقرره معتبر در زمان تهیه این نوشته است باتوجه به همین معیار، اقدام به تفکیک تراکنش‌های بانکی نموده

1. US Uniform Electronic Transactions Act -1999
2. Electronic Record
3. Federal Rules of Evidence-2014

۴. «اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است».

۵. شروط قانونی این موضوع در بخش مبانی حقوقی بررسی خواهد شد.

۶. به عنوان نمونه به موجب بند ۱۳ از دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ ۱۳سازمان: «با توجه به اینکه اطلاعات واصله مربوط به تراکنش‌های بانکی در قالب اطلاعات پولی بوده و این امر می‌تواند مؤید وجود فعالیت مالی باشد لکن لزوماً میزان فعالیت‌های مالی با فعالیت‌های پولی مؤدیان یکسان نمی‌باشد...»

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]
[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

است. بر این اساس از نظر ماهوی، تراکنش‌ها را می‌توان به «درآمدی»، «غیردرآمدی» و «نامشخص» تقسیم نمود و ماهیت حقوقی هریک را بررسی کرد:

الف) ماهیت حقوقی تراکنش‌های بانکی با منشأ درآمدی و غیردرآمدی

«تراکنش‌های بانکی فاقد ماهیت درآمدی» شامل مواردی چون: «تراکنش‌های بانکی مربوط به اعضای هیأت مدیره و سهامداران اشخاص حقوقی با تأیید شخص حقوقی مورد نظر»، «دریافتی و پرداختی مرتبط با حق شارژ»، «تسهیلات بانکی دریافتی»، «انتقالی بین حساب‌های شخص»، «انتقال بین حسابهای شرکا در مشاغل مشارکتی»، «وجوه دریافتی ناشی از جبران خسارت» و... است.[۱] همچنین درصورت احراز و تشخیص درآمد توسط مأموران مالیاتی به شکل مستند، تراکنش‌ها واجد «ماهیت درآمدی» خواهند شد.

در بررسی شکلی تراکنش‌ها ذکر شد که این تراکنش‌ها- فارغ از محتوای آن – می‌تواند دارای ماهیت سندعادی و یا رسمی باشد. اکنون پرسش این است که تراکنش‌های مذکور درصورت اثبات محتوای درآمدی یا غیردرآمدی ازچه ماهیت حقوقی برخوردار است؟ پاسخ اینکه در اینجا نیز بسته به وجود شرایط مقرر در مواد ۱۲۸۷یا ۱۲۸۹ قانون مدنی، ماهیت تراکنش‌ها می‌تواند به عنوان سند رسمی یا عادی درنظر گرفته شود اما این دو مبحث بدلیل تفکیک بین اعتبار«محتویات» با اعتبار «مندرجات» اسناد، بایکدیگر متفاوت است (Emami, 1390: 72). منظور از اعتبار محتویات، اعتبار موضوعات شکلی سند مانند مهر و امضا است که در بحث تراکنش‌ها منجربه اعتبار «اصل وقوع تراکنش» است اما در موضوع اعتبار «مندرجات»، مراد معتبربودن مفاد و محتوای اسناد است که باتوجه به بررسی و احراز منشأ، اعتبار «مندرجات» این اسناد نیز محقق است. به بیان دیگر از آنجا که برای مأموران مالیاتی به شکل مستند ثابت شده که محتوای این اسناد، درآمدی و یا غیردرآمدی است نتیجتاً «مندرجات» این اسناد -اعم از رسمی یا عادی- نیز معتبر تلقی خواهد شد.[۲]

همچنین در برخی موارد می‌توان ماهیت تراکنش‌های بانکی را «اقرار» دانست. مثلاً اگر مؤدی (تاجر) در دفاتر قانونی یا دیگر اسناد و مدارک مالی که توسط وی تنظیم شده است به اطلاعات تراکنش بانکی خود به عنوان «درآمد» تصریح کند می‌توانیم تراکنش قیدشده در اسناد فوق را به منزله «اقرار کتبی» بدانیم.[۳] چراکه طبق ماده ۱۲۸۱ قانون مدنی «قید دین در دفتر تاجر به منزله اقرار کتبی است» و تصریح به درآمد در دفاتر قانونی نیز علی‌القاعده شخص را مکلف به پرداخت مالیات (دین) می‌کند. دراین مورد، اجزای اقرار؛ مذکور در ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی[۴] محقق بنظر می‌رسد چراکه اولاً «اخبار» و ازنوع کتبی (تنظیم در دفاترقانونی) بوده ثانیاً «برای غیر» و

۱. ر.ک: بند ۹ دستورالعمل شماره ۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ سازمان.

۲. اعلام های مأمور رسمی بخشی از مندرجات سند است که خود مأمور رسمی به گونه متناسبی دریافته است و باتوجه به اصل صحت عملیات مأمور رسمی، قابل اعتبار است. (همان)

۳. ر.ک: (Emami، ۱۳۹۰: ۲۳)

۴. «اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود.»

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

به نفع سازمان است و ثالثاً به «ضرر» مؤدی است.[۱]

ب) ماهیت حقوقی تراکنش‌های بانکی با منشأ نامشخص

تراکنش‌های بانکی نامشخص (مشکوک) تراکنش‌هایی هستند که از یک سو، ماهیت درآمدی آنها بر اساس تشخیص سازمان، ثابت نشده و از سوی دیگر ماهیت غیردرآمدی آن ها نیز محرز نشده است.[۲] در این قسمت به دنبال اثبات این موضوع هستیم که ماهیت اصلی این نوع تراکنش‌ها «اماره قانونی» است و بر کسب درآمد برای مؤدی، دلالت می‌نمایند.

به موجب ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی «اماره»[۳] عبارت از اوضاع و احوالی است که به حکم قانون و یا درنظر قاضی دلیل بر امری شناخته می‌شود. طبق ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی «امارات قانونی» اماراتی است که «قانون» آن را دلیل بر امری قرار داده است (Shams, 1389: 221-222). تراکنش‌های بانکی نامشخص نیز باتوجه به اینکه خلاف آن توسط مؤدی به اثبات نرسیده لذا به مثابه نوعی «اوضاع و احوال» است که دلالت بر تحقق درآمد برای مؤدی داشته و به‌عنوان «اماره قانونی بر درآمد مؤدی» تلقی می‌شود.[۴] همچنین از آنجا که امارات قانونی، نشانه احتمالی است که قانون‌مند شده و تعمیم یافته است، (Katuzian, 1383: 140) لذا رعایت آن توسط مراجع دادرسی مالیاتی الزامی است. لازم به ذکر است «درآمدی بودن تراکنش‌های نامشخص» را نمی‌توان به‌عنوان «اصل عملی» درنظر گرفت. چراکه اماره درحقیقت نوعی دلیل است؛ نه اصل عملی (Katuzian, 1382: 45)[۵].

۳- مبانی حقوقی

در بررسی مبانی حقوقی استفاده از تراکنش‌های بانکی توسط سازمان، تفکیک ببین دو موضوع، ضروری است: اول، صلاحیت سازمان در «دسترسی» به تراکنش‌های بانکی و دوم، صلاحیت سازمان در «تشخیص» مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی. هرچند درنگاه اول ممکن است چنین بنظر برسد که وضع صلاحیت «دسترسی» الزاماً به معنای صلاحیت در «تشخیص» نیز هست و شرط کافی آن حساب می‌شود، اما در ادامه خواهیم گفت که می‌بایست استثنائاتی را هم درنظر گرفت. به بیان دیگر هرچند فرض حکمت مقنن، حکم می‌کند تا اصل را بر این بگذاریم که دسترسی با هدف تشخیص است، اما صلاحیت دسترسی به تراکنش‌ها، شرط کافی برای

---

۱. و در بخشنامه شماره: ۳۰/۴/۶۸۸۷/۲۷۸۷۶ مورخ: ۱۳۷۵/۰۶/۲۴سازمان درمورد نحوه برخورد با اظهارنامه مؤدیان نیز به صراحت به مقررات قانون مدنی در باب اقرار استناد داده شده است.

۲. ر.ک: بند ۹ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۱/۳۱ سازمان.

3. Presumption

۴. در ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی نیز به این قرینه اشاره شده است. به موجب این ماده: ...هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قراین مثبته اظهار طرف قراردهد.

۵. دلایل تفصیلی این موضوع در مبحث مبانی حقوقی ارائه خواهد شد.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

توجیه حقوقی تشخیص مالیات بر اساس «تمامی اقسام» تراکنش‌ها نیست. همچنین تمیزدادن بین صلاحیت «دسترسی موردی» و «دسترسی کلی» به تراکنش‌ها نیز منشأ تفاوت‌های مهمی است که عدم توجه به هریک، منجربه نتایج اشتباه خواهد شد.

۳-۱- مبانی حقوقی صلاحیت «دسترسی» به تراکنش‌های بانکی

جهت بررسی مبانی حقوقی این صلاحیت لازم است دو نوع مختلف بررسی تراکنش‌های بانکی توسط سازمان را از یکدیگر تفکیک نمود چراکه هریک، از مبنای متفاوت و سابقه قانونی مجزایی برخوردار است: نوع اول، بررسی تراکنش‌ها به شکل «موردی و تشریفاتی» است و نوع دوم نیز بررسی کلی تراکنش‌ها (اطلاعات مجموع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی) را شامل می‌شود. سابقه تقنینی پیرامون صلاحیت نوع اول از زمان تصویب تبصره ماده ۲۳۱ ق.م.م مصوب ۱۳۸۰ -لازم الاجرا از آغاز ۱۳۸۱- است که اشعار می‌دارد: «در مورد بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی، سازمان امور مالیاتی کشور اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی مطالبه خواهد کرد...» این نوع از صلاحیت دسترسی به اطلاعات بانکی مؤدیان به صورت موردی، ویژه و به شکل استعلام است. این برداشت از سیاق ماده بدست می‌آید چراکه لزوم مطالبه این اطلاعات از طریق معین (وزیر امور اقتصادی و دارایی) و انحصار آن به صرفاً «درآمد مؤدی» نشان دهنده کسب اطلاعات بانکی به صورت خاص، غیرکلی و با رعایت تشریفات قانونی[۱] است. دلیل دیگر، بررسی فرآیند تصویب این تبصره است: در جریان تصویب لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰ در متن ماده ۲۳۱ لایحه، عبارات «اسناد لازم در زمینه درآمد، دارایی و فعالیت‌های مؤدیان مالیاتی» و «حسب درخواست وزارت امور اقتصادی ودارایی و یا مأمورین تشخیص مالیات» وجود داشت که به ترتیب به عبارات «اطلاعات مربوط به درآمد» و «حسب نظر وزیر امور اقتصادی» تغییر یافت. اما پس از اعاده لایحه از شورای نگهبان به مجلس عبارت «اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی از طریق وزیر اقتصاد و امور دارایی» جایگزین آن شد.[۲] بنابراین بنظر می‌رسد از نظر مقنن این صلاحیت، یک صلاحیت قائم به شخص برای مقام اداری است که امکان تفویض آن به حداقل، مأمورین تشخیص وجود ندارد.[۳] ثانیاً وظیفه بانک‌ها تنها ارائه اسناد و اطلاعات مربوط به «درآمد» مؤدیان است و صلاحیت ارائه اطلاعات پیرامون دارایی و عموم فعالیت‌های اقتصادی مؤدیان به شکل کلی را نخواهند داشت. این برداشت با مفاد بند ۱۰ ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور، ماده ۱۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی و همچنین بخشنامه‌های شماره ۷۰۷۵ مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ و شماره ۴۴۴.ه مورخ ۱۳۸۷/۷/۴ بانک مرکزی نیز مطابق است که مستفاد از آنها بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مکلفند اطلاعات

۱. جهت بررسی اصل تشریفات قانونی در نظام حقوق مالیه عمومی، ر.ک: (Rostami & Ghahveh Chian, 1396: 72-75).
۲. جهت تطبیق لایحه مذکور با مصوبه نهایی، ر.ک: سایت رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به آدرس: www.rc.majlis.ir
۳. جهت مطالعه در مورد شرایط صحت تفویض اختیار مقام اداری، ر.ک: (Aghai Towgh & Lotfi, 1398: 122-123).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]
[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

حساب‌های بانکی اشخاص را محرمانه تلقی کرده و جز در مواردی که به صراحت قانون مکلف به ارائه اطلاعات می‌باشند، از ارائه آنها مگر طبق ضوابط قانونی (براساس دستور قضایی) خودداری کنند.

دومین مستند قانونی که منعکس کننده صلاحیت دسترسی سازمان به اطلاعات تراکنش‌های بانکی البته به شکل موردی است ماده ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزده است. روند تصویب و تأیید این ماده نیز گویای «موردی» بودن صلاحیت سازمان در دسترسی به اطلاعات تراکنشی مؤدیان است. چراکه به موجب بند ۸ نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۵۴۴۱ مورخ ۸۶/۱۲/۲۵ شورای نگهبان «اطلاق اعلام موارد مذکور نسبت به مواردی که صرفاً مربوط به تأدیه امور مالیاتی نمی‌باشد، خلاف موازین شرع شناخته شد». مجلس شورای اسلامی جهت رفع اشکال مذکور، عبارت «عملیات پولی و اعتباری (گردش حساب‌ها)» را از مصوبه قبلی خود حذف و عبارت «صرفاً اطلاعات و اسناد لازم مربوط به درآمد مؤدیان» را در مصوبه نهایی خود جایگزین نمود.[۱]

در سایر نظام‌های حقوقی نیز با نوع مشابهی از صلاحیت‌های موردی و دارای تشریفات قانونی در دسترسی به تراکنش‌ها مواجه هستیم: استعلام از بانك در خصوص صاحب حساب خاص با تأیید مأموران ارشد، کسب اطلاعات از بانکها طی فرآیندهای قضایی یا رسمی و یا تلفیقی از اقدامات فوق. در بعضی کشورها نیز صاحبان حساب‌ها از درخواست سازمان مبنی بر کسب اطلاعات حساب‌های بانکی خود مطلع می‌شوند (OECD, 2007: 8). در سوئیس تبادل اطلاعات بانکی با سایر کشورها به شکل موردی است و صرفاً برای تشخیص جرایم مالیاتی و یا به عنوان مدارک در رسیدگی های کیفری استفاده می‌شود (OECD, 2007: 19).

نوع دیگر از صلاحیت سازمان، صلاحیت بررسی «کلیه تراکنش‌های بانکی» است که قیود و محدودیت‌های قانونی در نوع اول را ندارد و امکان دسترسی او را به اطلاعات مجموع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی فراهم نموده است. بستر قانونی این سطح از دسترسی که به شکل کلی است از زمان تصویب جزء ۲ بندپ ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م (لازم‌الاجرا از ابتدای سال ۱۳۹۵) ایجاد شد که به موجب آن «اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص» در اختیار سازمان قرار می‌گرفت.

بر اساس آنچه بیان شد می بایست به دو نوع متفاوت از دسترسی سازمان به اطلاعات بانکی توجه نمود، چراکه آغاز صلاحیت دسترسی موردی سازمان به این اطلاعات از شروع سال ۱۳۸۱ بوده درحالی‌که شروع صلاحیت

---

۱. ر.ک: سایت رسمی شورای نگهبان به آدرس: www.shora-gc.ir (بخش انطباق قوانین). همچنین در ماده ۱۲۰ قانون برنامه پنجم توسعه نیز به صلاحیت دسترسی سازمان به تراکنش‌های بانکی اشاره شده که باتوجه به ماده ۶ مصوبه شماره: ۱۴۴۲۰/ت۴۷۴۳۷هـ مورخ ۱۳۹۱/۱/۳۰ هیئت وزیران (دستورالعمل تبادل اطلاعات مؤدیان مالیاتی) این دسترسی محدود به رعایت مفاد مواد ۲۳۰ و ۲۳۱ ق.م.م شده است و لذا این ماده نیز در راستای دسترسی موردی تلقی می‌شود. تصویب‌نامه شماره ۱۱۳۸۴-۸۱/م/ت۳۷۷۴۱/ه مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ هیأت وزیران نیز مقرر می‌دارد: «حساب‌های خصوصی افراد در بانک‌ها جزو حقوق ملت، مندرج در فصل سوم ق.ا بەویژه اصل ۲۲ آن است و بانک‌ها بەعنوان وکیل یا امین مشتریان مؤظف هستند هر گونه اطلاعات در این زمینه را فقط با درخواست صاحب حساب یا براساس استعلام یا حکم قضایی دادگاه صالح ذیربط ارائه کنند.»

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

دسترسی به جمع گردش و مانده سالانه انواع حساب‌های بانکی (دسترسی کلی) از ابتدای سال ۱۳۹۵ است.[۱] در بسیاری از کشورها نیز این نوع از صلاحیت دسترسی به شکل وسیعی ملاحظه می‌شود: مثلاً در پرتغال از سال ۲۰۰۵ نیاز به مجوزهای قضائی جهت دسترسی به تراکنش‌های بانکی با اهداف مالیاتی حذف شد. البته این امر منوط به وجود دلایل منطقی دال بر تحقق جرم مالیاتی و یا اوضاع و احوال کافی حاکی از ارائه اطلاعات نادرست توسط مؤدی است (OECD, 2007: 26). همچنین در قانون مالی ۲۰۰۵ ایتالیا[۲] شاهد گسترش صلاحیت دسترسی به اطلاعات مالی ازحیث منابع اطلاعاتی و هم ازحیث نوع اطلاعات هستیم، چراکه بجز بانک‌ها و دفاتر پستی، امکان اخذ اطلاعات از نهادهای واسط مالی[۳]، تراست‌ها[۴] و... نیز فراهم شد. همچنین سطح دسترسی اطلاعات به کلیه تراکنش‌های انجام شده توسط بانک‌ها و نهادهای مذکور گسترش یافت (OECD, 2007: 23).

۳-۲- مبانی حقوقی صلاحیت «تشخیص مالیات» براساس تراکنش‌های بانکی

از جمله دلایل تفکیک تراکنش‌ها براساس منشأ (محتوا) در بخش ماهیت حقوقی، وجود «مبانی حقوقی» متفاوت آنها بود که نهایتاً مشمول ضوابط مجزایی نیز خواهد شد. براین اساس تراکنش‌ها «با ماهیت درآمدی» ازمبانی خاص خود و متمایز از تراکنش‌ها «با منشأ نامشخص» برخوردار است که مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

الف) تشخیص مالیات براساس تراکنش‌ها با ماهیت «درآمـدی»

اولین مبنای حقوقی تشخیص مالیات براساس «تراکنش‌های بانکی با ماهیت درآمدی» همان مستندات قانونی صلاحیت سازمان جهت «دسترسی به تراکنش‌های درآمدی» است. یعنی از آنجا که وفق تبصره ماده ۲۳۱ ق.م.م و سپس ماده ۳۰ ق.م.ا.ا و نهایتاً ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م دسترسی به این نوع از تراکنش‌ها (درآمدی) فراهم شده است به تَبَع آن، صلاحیت تشخیص براساس تراکنش‌های درآمدی نیز ایجاد می‌گردد. چراکه وقتی قانونگذار امکان قانونی «دسترسی» به تراکنش‌های درآمدی توسط سازمان را فراهم می‌کند طبعاً با فرض حکمت مقنن، هدف او فراهم نمودن یک ابزار تشخیصی جدید برای سازمان است و نتیجتاً زمان شروع این نوع از «صلاحیت درتشخیص» نیز به همان آغاز «صلاحیت دسترسی» بازمی‌گردد. البته سخن درمورد تراکنش‌هایی است که ماهیت «درآمدی» شان محرز و قطعی شده است چراکه -همانگونه که ذکر شد- تا قبل از تصویب ماده ۱۶۹مکرر ق.م.م در سال ۱۳۹۴ صرفاً امکان دسترسی به تراکنش‌های درآمدی -نه سایر تراکنش‌ها- فراهم بود و چنانچه

---

۱. عدم توجه به تفکیک این دو نوع، باعث شده در برخی از تحلیل‌ها صلاحیت های سازمان بایکدیگر خلط شود که در بخش‌های بعدی به آن اشاره خواهد شد. همچنین قانون مبارزه با پولشویی و آئین نامه آن نیز درمواد مختلف مانند مواد ۵، ۷ و ۸ قانون به تکالیف سازمان درمورد ارائه اطلاعات، گزارش‌ها، اسناد و مدارك مربوطه به شورای عالی مبارزه با پولشویی، گزارش معاملات و عملیات مشکوک و... اشاره نموده است که البته با استناد به این مواد نمی‌توان رأساً صلاحیت دسترسی سازمان به تراکنش‌ها را استنباط نمود.

2. Finance Act.
3. Financial Intermediaries
4. Trusts

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]
[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

ماهیت تراکنش‌ها «نامشخص» باشد موضوع مجزایی است که بعداً بررسی خواهد شد.

دومین مبنای حقوقی، احتساب این نوع از تراکنش‌ها به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا (سند) است (ماده ۱۲۸۵ قانون مدنی). طبق ماده ۱۲۸٤ همان قانون، سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد و براین اساس، شروط اساسی «سند» از قرار: «مکتوب بودن» و «قابلیت انتساب» است (Shams, 1389: 89). باتوجه به نکاتی که در بررسی ماهیت حقوقی ذکر شد مستنداً به مواد ۲، ۶ و۱۲ قانون تجارت الکترونیکی، تراکنش‌های بانکی در هریک از قالب‌ها -اعم از اینکه به صورت ذخیره الکترونیک یا محتوای حافظه رایانه باشد یا روی صفحه نمایش داده شود- به عنوان داده پیام خواهد بود و می‌بایست آنها را «مکتوب» تلقی کرد. همچنین در تراکنش‌های درآمدی «مندرجات و محتویات» به شکل توأمان «قابلیت انتساب» به مؤدی را دارد.[1] قابلیت انتساب «مندرجات» (مفاد) بدلیل احراز قطعی ماهیت درآمدی این تراکنش‌ها به نفع مؤدی توسط مأمور رسمی (مأمور مالیاتی) است (Emami, 1390: 72). انتساب «محتویات» به مؤدی (بعد شکلی) در اسناد رسمی، مفروض بوده (ماده ۷۰ قانون ثبت اسناد رسمی) و درمورد اسناد عادی نیز به هرطریق بتوان باتوجه به قرائن، صدور سند را اثبات نمود، نوشته سندیت خواهد داشت (Shams, 1389: 90). به‌عنوان نمونه قانون متحدالشکل تراکنش‌های اطلاعات رایانه‌ای امریکا[2] به جای تأکید بر امضاء، بر یک سامانه مطمئن برای ثبت تراکنش‌ها تأکید کرده است (Sepahi, 1393: 172). حال از آنجا که اطلاعات تراکنش‌های بانکی صادره از سیستم بانکی، مطابق با ضوابط بانک مرکزی تهیه و تنظیم می‌شود و اطلاعاتی که در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار می‌گیرد عموماً از طریق ارتباط برخط با سیستم بانکی است و درمواردی نیز که به صورت سند چاپی باشد به صورت ماشین‌نویسی شده و دارای مهر بانک صادرکننده و امضای متصدی بانک است لذا درتمامی این حالات ازحیث قابلیت انتساب به صادرکننده (بانک) معتبر بنظر می‌رسد.

سومین مبنای حقوقی تشخیص مالیات براساس این نوع از تراکنش‌ها به «ماهیت درآمدی» آنان بازمی‌گردد. اساساً محرزبودن «ماهیت درآمدی» ازجمله شروط لازم جهت تشخیص مالیات براساس این نوع از تراکنش‌هاست. در کلیه بندهای ۲ الی ۵ از ماده ۱، مواد ۹۳، ۱۰۶، ۱۰۵ و... از ق.م.م ازجمله شروط شمول مالیات، تحقق «درآمد» برای اشخاص است که همان «درآمد محقق و به فعلیت رسیده» است چراکه «درآمد بالقوه»، «درآمدی که احتمال تحقق آن در آینده می‌رود» و یا «درآمد مشکوک‌الحصول» نمی‌تواند اشخاص را داخل در مشمولین مالیات نماید. این نکته از قوانین و مقررات متعددی قابل استنباط است و به عنوان نمونه، صرف خرید یک کالا حتی به شکل مکرر نمی‌تواند به درآمد قطعی منجر شود و از همین رو بخشنامه شماره ۴۳۲۸۸ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲۹ صادره از وزیر امور اقتصادی و دارایی که مبین اخذ مالیات از خریداران خودروهای متعدد؛ فارغ از فروش آنها به اشخاص دیگر

۱. جهت تعریف و شرح تفکیک این دو ر.ک: بخش «ماهیت حقوقی».

2. The Uniform Computer InformationTransactions Act (UCITA).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

بوده به موجب رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره ۸۴/۵۶۰ مورخ ۸۴/۱۰/۱۱ ابطال شده است. نتیجتاً چون تراکنش‌های بانکی که «ماهیت درآمدی» آنها محرز شده است شرط لازم جهت شمول مالیات (ارتباط با درآمد مؤدی) را به شکل قطعی دارا هستند ازاین رو تشخیص مالیات براساس آنها از مبنای حقوقی مستحکم برخوردار است.

چهارمین مبنا، صلاحیت سازمان نسبت به صدور برگ تشخیص متمم درصورت کتمان درآمد است: طبق ماده ۲۲۷ ق.م.م ازموارد صدور برگ تشخیص متمم هنگامی است که «ثابت شود مؤدی فعالیت‌هایی داشته که درآمد آن را کتمان نموده است». در اینجا اثبات دو موضوع، ضروری است: اولاً «درآمدی بودن» -که باتوجه به مبنای پیشین، شرح داده شد- ثانیاً تحقق «کتمان»، بنابراین درصورت اظهار شماره حساب بانکی مورد استفاده مؤدی در اظهارنامه تسلیمی یا ازطریق پاسخ به درخواست‌های ارائه اسناد و مدارک، کتمان درآمد، محقق نمی‌شود.[۱]

ب) تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌ها با ماهیت «نامشخص»

صلاحیت سازمان در این مورد با تصویب بند پ ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م از سال ۱۳۹۵ آغاز و سپس دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۵/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۰۴ سازمان در بند ۱۰ تصریح داشت: چنانچه منشأ وجوه واریزی مشخص نشود، این امر مؤید وجود «درآمد اتفاقی» برای مؤدی است. پس از آن بند ۱۴ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ و متعاقباً بند ۱۶ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۹/۱۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱ سازمان، تراکنش‌های مشکوک را مصداقی از «اشتغال به مشاغل یا عناوین دیگر» موضوع ماده ۹۳ ق.م.م اعلام نمودند. بنظر می‌رسد این صلاحیت تشخیصی بر محورهایی چون: «صلاحیت گسترده مأموران مالیاتی در تشخیص مالیات» و همچنین «قاعده اقدام» مبتنی است:

اول: صلاحیت گسترده مأموران مالیاتی در تشخیص مالیات

براساس ماده ۲۱۹ ق.م.م صلاحیت شناسایی و تشخیص درآمد مشمول مالیات به سازمان امور مالیاتی محول شده که از ابعاد مختلف، دارای گستردگی است. از آن جمله، صلاحیت در «استفاده از ابزارهای تشخیص مالیات»

۱. این نکته در رأی شعبه رأی شماره ۲۳۳۷ شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶ نیز منعکس شده است. به موجب بخشی از این رأی: «چنانچه هرگونه درآمد یا فعالیت کتمان شده اعم از خرید و فروش یا خدمات که به دلیل برداشت یا واریز از سوی فروشندگان و خریداران کالا مشخص شود که مبلغ پرداختی یا دریافتی بابت فاکتور خرید و فروش ابرازی مؤدی بیش از مبلغ اعلامی است در این موارد با لحاظ قرار دادن تراکنش‌های بانکی مرتبط، مابه التفاوت آن درآمد کتمان شده تلقی و به عنوان مالیات متمم صرفاً مربوط به آن بخش قابل مطالبه خواهد بود. در غیر این صورت تراکنش‌های بانکی قبل از قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحیه ۹۴/۴/۳۱ قابل اجرا از ۹۵/۱/۱ درآمد کتمان شده تلقی نمی‌شود تا بتوان از آن طریق مالیات متمم مطالبه کرد» همچنین یکی دیگر از مبانی حقوقی این موضوع را می‌توان نقش تراکنش‌های بانکی در تخمین قرائن مالیاتی است. این نکته ازجمله در رأی هیأت حل اختلاف مالیاتی (هم‌عرض موضوع ماده ۲۵۷ ق.م.م در اجرای رأی دیوان عدالت اداری) اداره کل امور مالیاتی استان اصفهان به شماره ۴۹۰۰۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۷ نیز ذکر شده است. به موجب این رأی: «از مفاد ماده ۱۵۲ ق.م.م نیز نقش اطلاعات در تعیین قرینه مشهود است بعنوان مثال تعیین میزان تولید درکارخانه‌جات، مستلزم دسترسی به اطلاعاتی از قبیل میزان تجهیزات و نوع آن، سطح اشتغال و تعداد شیفت‌های کاری، مواد اولیه مصرفی و... بوده و میزان برآوردی تولید قطعاً با متغیرهای عنوان شده در ارتباط است. به همین دلیل بررسی میزان فروش یا خرید، مستلزم دسترسی به میزان جریان وجوه نقد در سیستم مالی مؤدی خواهد بود.»

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

است. بر این اساس است که ماده ۳۱ آیین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م.م اظهار می‌دارد: مأموران مالیاتی مکلفند «هر گونه تحقیق و رسیدگی» که برای آگاهی از وضع مؤدیان لازم است را با رعایت مقررات مربوط به عمل آورند. البته ازجمله ضوابط قانونی که این صلاحیت گسترده را تقید می‌زند تبصره ماده ۲۳۱ ق.م.م مصوب ۱۳۸۰ است که اساساً دسترسی سازمان به اطلاعات بانکی را از نظر ماهوی، مقید به «اطلاعات درآمدی» و از نظر شکلی (تشریفاتی) نیز مقید به «مطالبه از سوی وزیر امور اقتصادی و دارایی» می‌کند. اما با تصویب بند «پ» ماده ۱۶۹ مکرر ق.م.م در سال ۱۳۹۴ امکان دسترسی سازمان به کلیه «اطلاعات مالی، پولی و اعتباری و سرمایه‌ای اشخاص» فراهم شد و لذا از زمان تصویب این بند، مبنای حقوقی صلاحیت سازمان در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های نامشخص ایجاد شد. این درحالی است که به موجب دستورالعمل‌های صادره که مبنای سازمان جهت استناد به تراکنش‌های نامشخص قرار گرفته به «ماده ۲۹ آیین نامه اجرایی ماده ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم»[۱] استناد شده که از این حیث قابل نقد است.

دوم: قاعده اقدام

هرچند براساس نکات فوق از سال ۱۳۹۵ امکان رسیدگی به تراکنش‌های نامشخص توسط سازمان فراهم شده اما چون ماهیت درآمدی این موارد مبهم بوده و ممکن است در واقعیت امر، منجربه کسب درآمد مؤدی نشده باشد، تشخیص مالیات براین اساس، نیازمند مبنای حقوقی دیگری نیز هست: ازجمله قواعدی که بویژه در حوزه مسئولیت مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد، قاعده اقدام است. به‌موجب این قاعده، هرگاه شخص عملی را انجام دهد که باعث شود از عمل شخص دیگر متضرر گردد، وارد کننده زیان، مسئول خسارت واردشده بر این شخص نیست؛ زیرا شخص با اقدام خود (اقدام علیه خود) موجب ازبین رفتن حرمت و احترام مال‌اش شده است. درحقیقت «اقدام» مانعی برای اجرای قواعد ضمان قهری، مثل قاعده احترام، لاضرر، اتلاف و تسبیب خواهد شد (Mohagheghe damad, 1383: 221). هرچند قاعده مذکور بیشتر در حقوق خصوصی و ناظربر روابط اشخاص در این حوزه مطرح می شود، اما این قاعده در حقوق مالیاتی نیز کاربرد دارد و حتی می‌توان گفت به یک رویه برای سازمان و مأموران مالیاتی نیز تبدیل شده است (Sanjabi, 1396: 34-35)[۲].

بر این اساس چنانچه مؤدی برخلاف قوانین و مقررات، مرتکب فعل و یا ترک فعلی گردد، وی مسئول عواقب مالی و مالیاتی اقدام خود است و از این حیث، سازمان صلاحیت قانونی جهت انجام اقدامات قانونی خود، حسب مورد ازحیث اخذ مالیات و جرایم متعلق، محرومیت از معافیت‌ها و مشوق‌های مالیاتی و... را داراست. درموضوع تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی با ماهیت نامشخص نیز «قاعده اقدام» جاری و ساری است. چراکه

۱. صدر دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۵/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۰۴ و دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ سازمان.

۲. بر این اساس مشاهده می‌شود که در حوزه‌های مالیاتی از «اصل تعرض» نام برده می‌شود و برخی نویسندگان نیز در این مورد، تئوری پردازی کرده‌اند که بنظر می‌رسد ریشه این اصل به همان قاعده اقدام باز می‌گردد (همان). همچنین جهت بررسی بیشتر قاعده اقدام از منظر فقهی، ر.ک: (Musavi Baredei, 1394).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

دلیل نامشخص ماندن ماهیت این بخش از تراکنش‌ها، عدم ارائه اسناد و مدارک مربوط توسط مؤدی جهت تعیین تکلیف ماهیت آن‌ها است و در صورت انجام این تکلیف قانونی و ارائه آن به سازمان، ماهیت واقعی تراکنش‌ها مشخص می‌شد. در بخش «ضوابط حقوقی» به شرط ضروری در این باره (احراز تکلیف مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی) خواهیم پرداخت.

۴- ضوابط حقوقی

هرچند ضوابط حقوقی حاکم بر مرحله تشخیص مالیات، متعدد است، (Trotaba & Kotereh, 1387:31-44) اما برخی از آنها دارای ارتباط بیشتری با موضوع تراکنش‌های بانکی بوده و رویه عملی سازمان نیز که دربرخی موارد، قابل نقد بنظر می‌رسد تبیین و تأکید بر این ضوابط را ضروری می‌سازد:

۴-۱- وجود دلایل متقن و رعایت ضوابط کیفی در حسابرسی مالیاتی

ضابطه‌مند کردن فرآیندهای تشخیص مالیاتی یکی از اهداف اصلی سازمان‌های مالیاتی در دنیاست و براین اساس، تلاش فراوانی جهت حذف تشخیص براساس تخمین و اتکاء بر واقعیت‌های مالی صورت می‌گیرد (Kishvar & et al, 2012: 24). درنظام حقوق مالیاتی ایران نیز تکلیف مأموران مالیاتی به تشخیص مالیات به شکل صحیح و با استناد به دلایل و منابع متقن، از اولین و مهمترین ضوابط حقوقی حاکم بر این مرحله است (Rostami, 1390: 135). ماده ۲۳۷ ق.م.م به صراحت بر این موضوع دلالت دارد و براین اساس، ارائه دلایل ضعیف در امور گزارشگری مالیاتی و اعلام نظر غیرکارشناسی، ممنوع است. به عنوان نمونه، مأموارن مالیاتی نمی‌توانند با معیار قراردادن اطلاعات غیرمتقن مانند «سوابق عملکرد اقتصادی مؤدیان» اقدام به تشخیص مالیات نمایند.[۱] در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی نیز در صورتی که این اطلاعات ناظربر پیش از سال ۱۳۹۵ باشد مستفاد از ماده ۲۲۷ ق.م.م احراز دو موضوع «درآمدی بودن» و «کتمان توسط مؤدی» به صورت مستند و متیَقَن، ضروری است. همچنین اگر اطلاعات تراکنش مربوط به سال ۱۳۹۵ و بعد آن باشد نیز سازمان مکلف است ماهیت آن -اعم از درآمدی و یا غیردرآمدی- را با استناد به دلایل کافی، احراز نماید.[۲] برای تحقق این ضابطه، توجه صِرف به سیستم‌های تحلیل برخط تراکنش‌ها منتج به بهبود کیفی فرآیندهای تشخیص مالیات نخواهند شد، بلکه برای دسترسی به یک مدل بهینه باید بر حقایق مالی تأکید کرد. راه حل اساسی تکیه بر پایگاه‌های تحلیل داده مالیاتی[۳] است که ضمن تجمیع تمامی اطلاعات من‌جمله اطلاعات ناشی

۱. به‌عنوان نمونه، ر.ک: بخشنامه شماره ۱۶۱۹۹ و شماره ۱۷۹۳۳/۴۹۸۹/۴/۳۰ سازمان.

۲. «...مستند به ماده ۲۳۷ و ۲۴۸ ق.م.م برگه‌های تشخیص و آرای صادره باید موجه و مستدل باشند و از این رو صرف تراکنش بانکی دلیل بر تحصیل درآمد نبوده و تعیین مالیات نیازمند وجود مدارک متقن می‌باشد.» (رأی شماره ۲۱۱ مورخ ۹۹/۰۲/۲۰ صادره از شعبه ۱۵ بدوی دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۸۱۱۶۳)

3. Tax Data Warehouses

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

از منابع مختلف مالیاتی، اقدام به داده کاوی و تحلیل اطلاعات خواهد کرد (Kishvar & et al, 2012: 25).

۴-۲- ضوابط تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های نامشخص

به صورت خاص جهت تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های نامشخص با دو ضابطه مواجه هستیم: ضابطه اول: احراز «تکلیف مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی خود» است. چراکه ازجمله عناصر حق دفاع «اصل برابری سلاح‌ها»[1] در دعواست که مبین لزوم برابری ابزارها و امکانات طرفین دعوا درجریان دفاع از خود و یا خواسته است. براین اساس، مراجع دادرسی بایستی دسترسی برابر به همه اسناد و اطلاعات ضروری پرونده[2] را برای هر دو طرف فراهم کنند (ODIHR, 2013: 63-64). دراین میان، پیش‌شرط تحقق این ضابطه در مراجع دادرسی، تکلیف قانونی مؤدی به نگهداری اسناد است. چراکه وقتی مؤدی مکلف به نگهداری اسناد مالی خود نباشد، اخذ مالیات ناشی از عدم ارائه این اسناد محل تامل قرار خواهد گرفت.[3] نمونه تکلیف مؤدیان به نگهداری اسناد را در ماده ۱۳ قانون تجارت و ماده ۳۴ قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌توان مشاهده کرد. بعلاوه ماده ۹۵ ق.م.م مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی نیز مؤدیان مشمول این ماده را مکلف به نگهداری اسناد و مدارک خود نموده است. با این وجود، همچنان برخی از مؤدیان، مشمول الزام قانونی جهت نگهداری اسناد و مدارک مالی خود نیستند. بعنوان نمونه، تجّاری که در ماده ۱۳ قانون تجارت، تحت عنوان «تجّار خرد» یاد شده‌اند، مؤدیانی که هنوز تحت شمول قانون مالیات بر ارزش افزده قرار نگرفته‌اند و یا برخی از مؤدیان که تکلیفی به ارائه اظهارنامه و یا ارائه اسناد و مدارک ندارند مانند اشخاص معاف از مالیات بر درآمد کشاورزی موضوع ماده ۸۱ ق.م.م ازجمله این افراد تلقی می‌شوند.

بنابراین در تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های نامشخص می‌بایست به «تکلیف قانونی مؤدی به نگهداری اسناد و مدارک مالی» نیز توجه داشت. لازم به ذکر است در بند ۱۰ دستورالعمل شماره ۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱ سازمان به احتمال عدم مستندسازی برخی از تراکنش بانکی در سنوات قبل از سال ۱۳۹۵ نیز اشاره شده و تصریح شده که درصورت عدم وجود اسناد و مدارک دال بر کسب درآمد، مشمول مالیات نگردد. با این وجود درمفاد این بند، مواردی ازقبیل: «تراکنش‌های واریزی از طریق pos یا درگاه الکترونیکی پرداخت» هم‌چنان مشمول مالیات باقی مانده که قابل نقد بنظر می‌رسد.

ضابطه دیگر «عدم تسری تشخیص مالیات به قبل از سال ۱۳۹۵» است. همانگونه که گذشت، از آنجا که

1. Equality of Arms
2. Access to Files, Documents and Evidence

۳. در رأی شماره ۲۳۳۷ شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری به شماره پرونده ۹۸۰۸۷۶ این موضوع، مصداق «قاعده قبح عقاب بلابیان» تلقی شده است. به موجب بخشی از این رأی: «...بر اساس قاعده قبح عقاب بلابیان چنانچه در سنوات قبل از ۹۵/۰۱/۰۱ مدنظر قانون گذار بوده و بایستی به صراحت بیان می‌گردید تا مؤدی مستندات لازم مربوط به تراکنش‌های بانکی خود را متناسب با هر تراکنش بانکی ثبت و ضبط نموده تا موقع رسیدگی واحد مالیاتی در اختیار آنان قرار می‌دهد و از این طریق تراکنش مکرر یا غیرمربوطه و غیرمشمول دقیقاً مشخص و مستثنا شود».

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]
[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

صلاحیت سازمان در تشخیص مالیات براساس تراکنش‌های نامشخص با تصویب ماده ۱۶۹ مکرر ایجاد شد، لذا جهت اظهارنظر پیرامون تسری این صلاحیت به پیش از آن می‌بایست به ماده ۲۸۱ قانون مالیات‌های مستقیم نیز عنایت داشت، چراکه طبق این ماده تاریخ شروع اعتبار اصلاحیه‌ها از سال ۱۳۹۵ تعیین شده است. همچنین بنظر می‌رسد توجه به مواد ۲ و ۴ قانون مدنی، «اصل عطف بماسبق نشدن قوانین مالیاتی»[۱] و «اصل تفسیر مضیق و محدود قوانین مالیاتی»[۲] نیز در این موضوع راهگشا باشد.[۳] همچنین بنظر می‌رسد استناد به مواد ۲۲۷ و ۱۵۶ق.م.م (تجویز صدور برگ تشخیص متمم) جهت اثبات این تسری، محل تأمل باشد چراکه همانگونه که ذکر شد اخذ متمم مالیاتی، نیازمند احراز قطعی «درآمد» است.[۴] با این وجود، رویه عملی و همچنین مفاد بند ۱۰ دستورالعمل شماره ۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱ دلالت بر تسری این احکام به پیش از سال ۱۳۹۵ دارد؛ موضوعی که مورد شکایت نزد دیوان عدالت قرار گرفت اما به موجب دادنامه شماره ۱۳۱ مورخ ۹۷/۰۶/۲۷ هیأت تخصصی اقتصادی مالی و اصناف، دستورالعمل معترض‌عنه اساساً فاقد صراحت مبنی بر تسری احکام خاص اصلاحیه قانون به گذشته تشخیص داده شد.[۵]

۴-۳- سایر ضوابط درحسابرسی مالیاتی

از دیگر ضوابط حقوقی تشخیص مالیات «لزوم اطلاع‌رسانی به مؤدی درمورد نحوه تشخیص و محاسبه مالیات» است (Thoroni, 1384: 195) که ازجمله در ماده ۲۳۷ ق.م.م و ماده ۳۵ آئین‌نامه ماده ۲۱۹ ق.م.م بدان اشاره شده است. در موضوع تراکنش‌های بانکی نیز طبق بند ۱۹ از دستورالعمل شماره۱۶/۹۹/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۳۱ سازمان، اگر مبنای صدور برگ تشخیص مالیاتی، تراکنش‌های بانکی و سایر اطلاعات واصله از حساب‌های بانکی مؤدی باشد، ادارات امور مالیاتی مکلفند درصورت درخواست کتبی مؤدی، لوح فشرده یا تصویر تراکنش‌های بانکیِ مبنای محاسبه را نیز به وی تحویل دهند. ضابطه دیگر، «مقید به زمان بودن تشخیص» است که در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ ق.م.م حسب مورد، مواعید یک ساله و پنج ساله جهت تشخیص مالیات درنظر گرفته شده

1. Princeple of Non-retroactivity of Tax Law.

ک.ر: (Rostami & Izadi, 1391: 64-68)

۲. «اصول کلی حقوقیِ تفسیر قوانین مربوط به حقوق عمومی و حقوق مالیاتی ایجاب می‌کند که در هنگام تفسیر قوانین مالیاتی، ابهامات، اجمالات و کاستی‌های موجود در قوانین باید به نفع مؤدی مالیاتی صورت گیرد.» (Taheri Tari, 1394: 40).

۳. مطابق با یکی از استدلال‌های مذکور در رأی شماره ۲۳۳۷ شعبه ۴ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری: چنانچه احتساب تراکنش‌های بانکی به عنوان فعالیت مؤدی قبل از اصلاحیه مورخه ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ برابر مقررات و قوانین موضوعه صحیح بود مبالغ زیادی ناشی از عدم توجه سازمان امور مالیاتی و ادارات مربوطه در سنوات پس از تصویب قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۶۶ اصلاحیه های بعدی آن مطالبه نشده که مسئولان ذیربط به دلیل چنین قصور غیرقابل بخششی بایستی تحت تعقیب انتظامی کیفری قرار گیرند و مستند به ماده ۲۳۳ ق.م.م تخلفات گسترده مالیاتی مأموران مالیاتی به دادستانی انتظامی مالیاتی می‌بایستی گزارش می‌گردید.

۴. به استناد بخشنامه ۱۷۹۴۰تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱۲ کتمان درآمد باید با دسترسی به اسناد و مدارک قابل اعتماد یا دریافت اطلاعیه‌های مستند از دفتر اطلاعات مالیاتی و یا سایر مراجع باشد. درصورتی که استناد به تراکنش‌های با ماهیت نامشخص نمی‌تواند واجد این ویژگی باشد.

۵. این درحالیست که سازمان در لایحه دفاعیه تقدیمی به این هیأت، جهت اثبات تسری دستورالعمل به پیش از سال ۱۳۹۵ صراحتاً اقامه دلیل کرده بود. ر.ک: سایت رسمی دیوان عدالت اداری به آدرس: www.divan-edalat.ir.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

است.[۱] درتشخیص مالیات براساس تراکنش‌های بانکی نیز در بند ۱۵ دستورالعمل شماره ۲۰۰/۹۶/۵۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۴ و همچنین بند ۳ دستورالعمل شماره ۵۲۵/۹۶/۲۰۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۲ بر این موضوع تأکید شده است.[۲]

۵- نتیجه‌گیری

سازمان امور مالیاتی در تشخیص مالیات بر اساس تراکنش‌های بانکی با ظرفیت‌های حقوقی و البته موانع حقوقی روبروست. از آنجا که تراکنش‌های بانکی می‌تواند درمواردی به صورت اسناد رسمی و یا عادی باشد و یا ماهیت اقرار را دارا شود، تشخیص مالیات بر اساس آنها با سهولت مواجه است. بعلاوه درحال حاضر امکان دسترسی به کلیه تراکنش‌های بانکی و همچنین تشخیص مالیات براساس بخشی از آنها نیز فراهم است، اما با این وجود، بنظر می‌رسد «امکان اخذ مالیات از تراکنش‌های نامشخص مربوط به قبل از سال ۱۳۹۵» محل تأمل باشد. بعلاوه می‌بایست به «لزوم احراز تکلیف مؤدی به نگهداری دفاتر و اسناد مالی جهت اخذ مالیات از این تراکنش‌ها» نیز توجه داشت که دراین مورد، چند نکته قابل ذکر است:

۱. حساسیت شورای نگهبان به محرمانگی اطلاعات بانکی افراد، باتوجه به سبق توجه به این مسأله در سایر قوانین و مقررات (قانون پولی و بانکی کشور، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و...) و بعلاوه رویه این شورا نسب به رعایت حریم خصوصی افراد، قابل درک است، اما با این همه، مزایای شفافیت مالیاتی و لزوم تأدیه حقوق عمومی در نظام اسلامی نیز غیرقابل کتمان است و چه بسا باعنایت به این نکات درجریان تصویب ماده ۲۳۱ قانون مالیات های مستقیم و ۳۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، شاهد موانع حقوقی کمتری در این موضوع بودیم.

۲. در وضعیت کنونی و علی‌رغم اینکه سیاست‌های کشور به سمت افزایش درآمدهای مالیاتی رفته است، رعایت حقوق مؤدیان و رعایت موازین قانونی اقتضا دارد به این موضوع عنایت شود که آیا اساساً مؤدی تکلیف قانونی نسبت به نگهداری اسناد و مدارک مالی داشته یا خیر. همچنین تفکیک بین تراکنش‌های «درآمدی» از «مواردی با ماهیت نامشخص» و همچنین تفکیک بین آغاز صلاحیت «دسترسی» به تراکنش‌ها از آغاز صلاحیت «تشخیص» مالیات براساس این تراکنش‌ها، موضوعات مهمی بودند که شرح آن گذشت.

۳. در سال‌های اخیر شاهد ایجاد بسترهای قانونی جدید، جهت تشخیص هرچه دقیق‌تر ماهیت تراکنش‌های بانکی هستیم که می‌توان نمونه آن را ماده ۱۱ «قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان» مصوب

۱. جهت بررسی پیشینه قانونی مرور زمان مالیاتی، ر.ک: (Taheri Tari, 1394: 351-353)

۲. جهت بررسی دیگر تکالیف سازمان در برابر مؤدیان، ر.ک: (Mojibifar, 1390) ذیل فصل دوم: حقوق مؤدیان مالیاتی.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

۱۳۹۸ دانست. به موجب این ماده با ایجاد تناظر بین «دستگاه‌های کارتخوان بانکی و درگاه‌های پرداخت الکترونیکی» با «مجوز فعالیت و شماره اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی» کلیه تراکنش‌های انجام شده از طریق آنها به عنوان تراکنش‌های بانکی مرتبط با فعالیت شغلی صاحب حساب بانکی محسوب خواهد شد. با این وجود، اجرای قوانین موجود مانند تکمیل «پایگاه‌های اطلاعاتی و طرح جامع مالیاتی» (مواد ۱۶۹مکرر و ۲۱۹ قانون مالیات‌های مستقیم) کمک بیشتری در تجمیع و تطبیق اطلاعات مختلف مؤدیان و کشف منشأ تراکنش‌ها خواهد داشت.

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

فهرست منابع

1. Administrative Court of Justice (Revision Branch 4 ,Vote 2337, File Number :980876 (Persian).
2. Aghayi Towgh, Moslem; Lotfi, Hasan (1398). Administrative Law 1, Tehran, Sahamiye Enteshar Publications (Persian).
3. Daneshpur, Eftekhar (1395).Checking the Realm of the Expediency in Privacy in Conflict with Social Expediencies with an Approach on Basics of Islamic Feqh, Comparative Feqh, 8, Tehran, 15-45 (Persian).
4. Emami, Seyed Hasan (1390). Civil Law (6), Tehran, Islamiye Publications (Persian).
5. Folke Bernadotte Academy (FBA) and Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR), (2013). Monitoring Administrative Justice, Handbook, Available at: https://www.osce.org/files/f/documents/1/3/105271.pdf
6. G.D.K.Kishore, B.Anusha, G.Poornima , G.Anusha, K.Tejaswi, (2012). Decision Making and Reduction Techniques for Tax Revenue using Data Warehouse ,International Journal of Engineering Trends and Technology ,Volume3, Available at: http://www.ijettjournal.org/volume-3/issue-1/IJETT-V3I1P205.pdf
7. Geva B., (2001). Banking Collections and Payment Transactions, Oxford, Oxford University Press.
8. Hajmohammadi, Fereshteh (1388). Legal Requirements for Accessing & Exchanging of Banking & Tax Information Inside & Outside of the Country, Tax Research Journal, 5, Tehran, 93-114 (Persian).
9. Head Office of Tax Affairs in Isfahan (1398).Tax Dispute Resolution Board Vote (Similar to the Issue of Direct Tax Code Clause 257 in Execution of the Ruling of the Administrative Court of Justice), Vote 49008 (Persian).
10. Ja'farzadeh, Mirghasem; Ahmadirad, Hamid (1391). Analyzing The Law Nature of Electronic Fund Transfer with Right Transfer Approach, Law Research Magazine, 9, Tehran,100-116 (Persian).
11. Katuzian, Naser (1383). Nature & Effect of Legal Presumption, Journal of Law & Political Science Faculty, Tehran, 64, 125-154 (Persian).
12. Katuzian, Naser (1382). Proof & the Reason of Proof, 1, Tehran, Mizan (Persian).
13. Khwaja, Munawer Sultan; Awasthi,Rajul; Loeprick, Jan.(2011), Risk-based tax audits: approaches and country experiences (English). Washington,D.C.:World Bank Group. Available at:http://documents.worldbank.org/curated/en/ 490491468

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

159916971/Risk-based-tax-audits-approaches-and-country-experiences
14. Menkhoff, L. and J. Miethe (2019). Tax evasion in new disguise? Examining tax haven's international bank deposits, Journal of Public Economics, Vol. 176, pp.53-78.
15. Available at:https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2019.06.003.
16. Mohaghegh Damad, Seyed Mostafa (1383). Rules of Feqh 1, 1, Tehran, Islamic Science Publication Center (Persian).
17. Mojibi Far, Mohammad Sadegh (1390). Mutual Rights & Duties of Payers & Iran's Tax Systems, Tehran, Javdaneh (Persian).
18. Musavi Baredei, Seyed Ahmad; Hoseinzadeh, Khadijeh (1394). Rule of Action, Reasons & Applications, Feqh of Ahlebeyt, 83, Quom, 143-169 (Persian).
19. OECD (2007), Improving Access to Bank Information for Tax Purposes, Progress Report. Paris, OECD Publications.
20. O'Reilly, P., K. Parra Ramirez and M. A. Stemmer (2019) "Exchange of Information and Bank Deposits in International Financial Centers", OECD Taxation Working Papers, No. 46, Paris, OECD Publishing. Available at: https://doi.org/10.1787/025bfebe-en.
21. Pendleton, f., Hon Alan (2013). Admissibility of Electronic Evidence. Available at: www.mnbenchbar.com
22. 15th Primitive Branch of Administrative Court of Justice (1399).Vote 211, File Number:981163 (Persian).
23. Ramezani, Mahdi; Dastgir, Mohsen; Askari, Ali; Khani, Abdollah (1392). Tax Audit Based on Risk & Its Determinant Measures with Emphasis on the Size of Taxpayers & the Experience of Other Countries, Tax Research Journal,66, Tehran,77-114 (Persian).
24. Rostami, Vali; Ghahveh Chian, Hamid (1396). Financial & Computational Rights, Tehran, Dadgostar (Persian).
25. Rostami, Vali; Izadi, Salman (1391). Validity of Tax Codes in Specified Period of Time, Law Research, 36, Tehran, 57-80 (Persian).
26. Rostami, Vali (1390). Public Finance, Tehran, Mizan (Persian).
27. Sadeghi Neshat, Amir (1393). Validation of Electronic Documents, Private Law Research, 8, Tehran, 71-100 (Persian).
28. Sanjabi, Samane (1396). Relationship between Direct Taxlaw and Private Law, Tehran, Ostad shahriyar (Persian).
29. Sepahi, Amir (1393). Document Law, Tehran, Dadgostar (Persian).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

30. Shams, Abdollah (1389). Proof of Litigation, Tehran, Derak (Persian).
31. Sienkiewicz, Stanley J, (2002). The Evolution of EFT Networks from ATM's to New on Line Debit Payment Product, USA, Federal Reserve Bank of Philadelphia.
32. Taheri Tari, Mirmohsen (1394). Tax Trial, 2, Tehran, Shahre Danesh (Persian).
33. Thoroni, Victor (1384). Designing & Writing Tax Code, Translation of Morteza Mollanazar (1), Tehran, Tax Affairs Organization (Persian).
34. Trotabas, Lui; Cotteret, Jean Mari (1387). Tax Law, Translation of Mohammad Ali Yazdan Bakhsh, Tehran, Dayereh Publications (Persian).
35. US Uniform Electronic Transactions Act, 1999.
36. Zangbari, Naser (1394). Banking Law, 2, Tehran, Jangal, Javdaneh (Persian).

[Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61]

[DOI: 10.52547/taxjournal.28.48.61] [Downloaded from taxjournal.ir on 2024-03-29]